

Designing a typology framework of government support for small and medium-sized enterprises

Mohammad Noruzi^{1✉}, Hasan Khatami², Saeid Hajihhasani³

- 1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Industrial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
- 2- Master's student, Department of Decision Sciences and Complex Systems, Faculty of Islamic Studies and Industrial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
- 3- Master's student, Department of Decision Sciences and Complex Systems, Faculty of Islamic Studies and Industrial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Abstract:

The development of small and medium-sized enterprises is one of the concerns of policymakers and executives in the field of industrial development in the country, based on which various strategies can be imagined, especially by using the capacity of government support for this. The current research, which has been conducted with a qualitative-quantitative approach, tries to provide a framework for the typology of government support for these businesses and, through this, to provide policy and knowledge tips for experts. Therefore, first, by using the method of library studies, all kinds of government support were collected and categorized. Then, by forming a focus group, businesses were categorized and evaluation indicators were identified, and finally the designed framework was approved by the experts. Categorizing businesses with bases such as life cycle, technology, product and market on the one hand and evaluating the adopted strategy for the type of support with indicators such as responsiveness, cost-effectiveness, stability and sustainability and the amount of time required for a policy to be effective on the other hand. It creates a framework based on which types of government support for small and medium businesses can be placed. The findings of this research, its pattern and type of view can be considered as a basis for the targeted selection and development of supports.

Keywords: Government support, industrial policy, small and medium enterprises, typology

DOI: 10.22034/jmi.2024.440936.3057

1. ✉Corresponding author: md.noruzi@gmail.com
2. khatami.hasan78@gmail.com
3. s.hajihhasani98@gmail.com



طراحی چارچوب گونه‌شناسی حمایت‌های دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

دوره ۱۸ شماره ۲ (پیاپی ۶۴)

نوع مقاله: پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱) صفحات ۲۱ تا ۴۷

تابستان ۱۴۰۳

محمد نوروزی 

استادیار، رشته معارف اسلامی و مدیریت صنعتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

حسن خاتمی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم تصمیم و سیستم‌های پیچیده، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

سعید حاجی حسنی^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم تصمیم و سیستم‌های پیچیده، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

چکیده

توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و مجریان عرصه توسعه صنعتی در کشور است که مبتنی بر آن می‌توان راهبردهای گوناگونی به‌ویژه با استفاده از ظرفیت حمایت‌های دولتی برای این امر متصور شد. پژوهش حاضر که با رویکردی کیفی-کمی انجام شده است می‌کوشد با ارائه یک چارچوب به‌گونه‌شناسی حمایت‌های دولت از این کسب‌وکارها پرداخته و از این رهگذر به ارائه خردمایه‌های سیاستی و دانشی برای متخصصان بپردازد. بدین جهت ابتدا با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای، انواع حمایت‌های دولت گردآوری و دسته‌بندی شد. سپس با تشکیل گروه کانونی، دسته‌بندی کسب‌وکارها و شناسایی شاخص‌های ارزیابی انجام گرفت و در نهایت چارچوب طراحی شده به تأیید خبرگان رسید. دسته‌بندی کسب‌وکارها با مبناهایی نظیر چرخه عمر، فناوری، محصول و بازار از یک‌سو و ارزیابی راهبرد اتخاذی برای نوع حمایت با شاخص‌هایی نظیر میزان پاسخگویی، به‌صرفه بودن، ثبات و پایداری و میزان لازم برای اثرگذاری یک سیاست از سوی دیگر، چارچوبی را ایجاد می‌کند که بر اساس می‌توان انواع حمایت‌های دولتی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را جایابی نمود. یافته‌های این پژوهش، الگو و نوع نگاه آن می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای انتخاب و توسعه هدفمند حمایت‌ها محسوب گردد.

واژگان کلیدی: حمایت‌های دولت، سیاست صنعتی، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، گونه‌شناسی

۱. مسئول مکاتبات: md.noruzi@gmail.com

۲. Email: khatami.hasan78@gmail.com

۳. Email: s.hajihassani98@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی تلقی شده و نقش اساسی در فرآیند توسعه جوامع دارند. ایجاد اشتغال با سرمایه‌گذاری کم، تحریک نوآوری، پویایی بخشیدن به صنعت، تقویت رقابت‌پذیری، جلوگیری از انحصارگرایی شرکت‌های بزرگ، ایجاد توازن اقتصادی منطقه‌ای، انعطاف‌پذیری در برابر نوسانات اقتصادی (ستایش و همکاران، ۱۴۰۱)، کمک به توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه، تأمین نیروی انسانی متخصص برای شرکت‌های بزرگ و دارا بودن پتانسیل تبدیل شدن به شرکت‌های بزرگ در افق میان‌مدت و بلندمدت (قائمی اصل، ۱۴۰۰) از شاخص‌ترین مزیت‌های حضور کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصاد است.

ضمن اینکه در اقتصاد جهانی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط جایگاه ویژه‌ای دارند و درصد بالایی از تعداد کل صنایع را تشکیل می‌دهند به طوری که میزان کسب‌وکارهای ثبت شده در سراسر جهان از نوع کوچک و متوسط دست کم ۹۵ درصد و در اروپا بالغ بر ۹۹ درصد است (IFC, 2010). کسب‌وکارهای کوچک و متوسط علاوه بر نقش آفرینی در ایجاد مشاغل جدید، ۶۰ تا ۷۰ درصد از اشتغال اقتصادهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ را نیز به خود اختصاص داده‌اند (Mateev and Anastasov, 2010).

با توجه به گزارش منتشر شده از سوی مرکز ملی آمار ایران در سال ۱۴۰۰ درباره سال ۱۳۹۹، از تعداد کل ۳۰۴۰۰ بنگاه فعال دارای پروانه بهره‌برداری، ۲۷۰۸۸ مورد بنگاه کوچک و متوسط بوده‌اند (مرکز ملی آمار ایران، ۱۴۰۰)؛ که نشان از وابستگی اقتصادی بخش عمده‌ای از خانوار در کشور به این کسب‌وکارهاست.

علاوه بر آمارهای رسمی منتشر شده، قانون‌گذاران نیز توجه ویژه‌ای به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط داشته‌اند. در ماده ۲۴ قانون برنامه ششم توسعه آمده است:

"دولت مکلف است با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران حداکثر تا پایان اجرای قانون برنامه، تمهیدات قانونی لازم را جهت دستیابی سهم تعاون در اقتصاد به بیست و پنج درصد (۲۵٪)، با رویکرد کارآفرینی، اشتغال‌زایی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و دانش‌بنیان به عمل آورد" (لاریجانی، ۱۳۹۶).

در برنامه هفتم توسعه نیز به توسعه اشتغال حاصل از ایجاد کسب‌وکارهای خرد خانگی و کارگاه‌های خرد و کوچک و توسعه آن‌ها توسط نهادهای مربوطه تأکید شده است (قالیباف، ۱۴۰۲). باید توجه داشت که مداخله دولت‌ها در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط جزء جدایی‌ناپذیر رشد این کسب‌وکارهاست. چنان‌که (رضایی و صفا، ۱۳۹۵) معتقدند یکی از پیش‌شرط‌های اصلی توسعه مطلوب بنگاه‌های کوچک و متوسط اجرای سیاست‌های حمایتی بشمار می‌آید. مداخله دولت در کسب‌وکارهای

^۱Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

کوچک و متوسط در مواردی مانند شکست بازار، مسائل عام‌المنفعه و وقوع بحران‌ها باید به نحو هوشمند و برنامه‌ریزی شده باشد. این امر میسر نیست مگر با توجه دقیق به تمام اجزا و عوامل و با استفاده از شیوه‌های مدیریت نوین و به‌کارگیری همه امکانات برای دستیابی به نتیجه در روند یک برنامه‌ریزی هدفمند (شیعه و همکاران، ۱۳۹۸).

برخلاف توجه ویژه قانون‌گذار به حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، مراجعه به آمارها نشان از آن دارد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از جهت تولید ارزش افزوده برای کشور با سطح مطلوب فاصله زیادی دارند. طبق آمار سال ۱۳۹۹ شاغلان این کسب‌وکارها ۳۷,۴٪ از شاغلان کل کسب‌وکارها، حقوق و دستمزد پرداخت شده در این بخش معادل ۲۵,۵٪ از حقوق و دستمزد پرداخت شده در کل کسب‌وکارها و ارزش افزوده تولید شده نیز ۱۹,۵٪ کل ارزش افزوده کسب‌وکارها را تشکیل می‌دهد (مرکز ملی آمار ایران، ۱۴۰۰). این آمارها مبین آن است که ارزش افزوده تولید شده در این بخش با حقوق و دستمزد پرداختی و تعداد شاغلان تناسب ندارد. علاوه بر این آسیب‌شناسی سیر تحولات بند «الف» تبصره «۱۸» قوانین بودجه سنواتی طی سال‌های اخیر پیرامون رونق تولید و اشتغال نشان می‌دهد سیاست‌های اتخاذ شده فاقد یک الگوی منسجم و واحدی است (عزیزخانی، ۱۴۰۱). بنابراین باتوجه به دو مقدمه مذکور نوعی آشفتگی و نبود وحدت رویه در حمایت‌های دولتی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط وجود دارد. به‌منظور رفع این مشکل دستیابی به یک سازوکار یکپارچه به‌عنوان مبنای عملکرد دولت‌ها در حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به آنچه که بیان شد، به نظر می‌آید همچنان الگوی حمایتی دولت از کسب و کارهای کوچک و متوسط نیازمند بازنگری‌های اساسی در نوع و میزان حمایت است و ارائه حمایت‌های یکسان، مشابه و گسترده نمی‌تواند پاسخگوی نیاز این صنایع و پیش‌برنده توسعه آنها برای کشور باشد از این رو پژوهش حاضر در این صدد است که چارچوب گونه‌های حمایت‌های دولتی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را طراحی نماید و مدل اولیه قابل‌قبولی از آن را ارائه کند. درواقع این پژوهش به دنبال آن است که ضمن بیان ملاحظات، خردمایه‌هایی از گونه‌های حمایت دولتی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را ارائه نماید و چارچوبی پیشنهادی را معرفی کند. لازم به ذکر است خلأ شناسایی شده در پژوهش حاضر این است که تاکنون عمده پژوهش‌ها، درصدد شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای حمایتی بوده‌اند و چارچوب تحلیلی که ضمن گونه‌شناسی این حمایت‌ها، به ظرفیت تنوع در حمایت‌ها را نیز فراهم سازد، ارائه نشده است که به‌نوعی نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

در ادامه ادبیات پژوهش و مفاهیم مرتبط با سیاست‌های حمایتی دولت و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مورد بسط و تفصیل قرار می‌گیرد. سپس تعدادی از تحقیقات داخلی و خارجی در حوزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و مرتبط با پژوهش حاضر بررسی می‌شود. در قسمت روش‌شناسی نیز فرآیند دستیابی به چارچوب گونه‌شناسی حمایت‌های دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ذکر

شده و در نهایت بررسی دسته‌بندی سیاست‌ها، ارزیابی آن‌ها و پیاده‌سازی چارچوب پیشنهادی انجام می‌گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- سیاست صنعتی

به لحاظ تاریخی، از دولت‌های تجارت محور مرکزیت‌یستی اروپای قرون ۱۶ تا ۱۸ میلادی تا حمایت از صنایع نوزاد در آمریکا و آلمان قرن ۱۹ و همچنین سیاست‌های توسعه صنعتی در کشورهای آسیای شرقی پس از جنگ جهانی دوم، همگی شامل هدف‌گیری فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی با بازدهی فزاینده هستند که این همان جوهر اصلی "سیاست صنعتی" است (Reinert, 2009).

سیاست صنعتی مفهوم گسترده‌ای است که تعاریف مختلفی برای آن توسط دانشمندان عرصه‌ی اقتصاد و صنعت ارائه شده است. رودریک به‌طور کلی از اصطلاح سیاست صنعتی برای اعمال سیاست‌های تجدید ساختار^۱ به نفع فعالیت‌های پویاتر استفاده می‌کند، صرف‌نظر از اینکه آن فعالیت‌ها به‌خودی‌خود در عرصه صنعتی یا هر فعالیت تولیدی دیگر قرار بگیرند (Rodrik, 2004). از منظر او اصطلاح سیاست صنعتی برای تبیین دو مفهوم به کار گرفته می‌شود:

محركی برای فعالیت‌های اقتصادی خاص

سیاست‌های هدفمند برای توسعه مبتنی بر تغییرات ساختاری^۲ (Rodrik, 2008).

سیاست صنعتی عبارت است از تمام انواع دخالت‌های دولت که به‌صورتی هماهنگ و آگاهانه برای تقویت توسعه صنعتی از آن استفاده می‌شود. هر دخالتی در بازارهای سرمایه، نیروی کار، مهارت و تکنولوژی یا ایجاد تغییرات نهادی که موجب تقویت توسعه صنعتی می‌شود، سیاست صنعتی تلقی می‌شود. به‌عبارت‌دیگر سیاست صنعتی نوعی از مداخلات دولت است که با هدف تغییرات ساختاری اتخاذ می‌شود (خمسه و اصغری، ۱۳۹۸). سیاست صنعتی دستیابی به توسعه فناوری را مستلزم اقدامات مداخله‌گرانه دولت، در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی آینده‌نگر، با هدف بازیابی ساختار تولید و صادرات می‌داند. هدف سیاست صنعتی خلق مزیت رقابتی از طریق برهم زدن تعادل‌های کنونی و هدایت منابع از فعالیت‌های با بهره‌وری پایین به فعالیت‌های با بهره‌وری بالا است (Chang and Andreoni, 2020).

از نگاه پژوهشگران، سیاست صنعتی در سطوح مختلفی بررسی می‌شود:

سیاست صنعتی عام: که در شرایط برابر برای همه صنایع در اقتصاد به کار می‌رود. سیاست‌های این بخش، کلی و با هدف بهبود سازوکار تخصیص منابع یا تشویق به سرمایه‌گذاری یا تحقیق و توسعه هستند.

^۱Restructing Policies

^۲Structural change

سیاست صنعتی خاص یک بخش: این سیاست‌ها به یک بخش خاص از اقتصاد توجه دارند. بخش‌هایی مانند کشاورزی، صادرات و واردات و ... در این سطح جای می‌گیرند. سیاست صنعتی خاص یک صنعت: سیاست‌های صنعتی اغلب به سمت صنایع خاص هدایت می‌شوند و ممکن است گسترده یا محدود باشند. حمایت از صنعت فولاد، خودرو یا ... از این دست هستند. سیاست صنعتی خاص یک بنگاه: سیاست‌های صنعتی که طراحی آن‌ها برای کمک به بنگاه‌ها یا پروژه‌های خاص و بزرگ است (خمسه و اصغری، ۱۳۹۸).

پژوهشگران، سیاست‌های صنعتی طبق نوع‌شناسی‌های گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند: سیاست‌های بنیادین- سطحی: شامل سیاست‌های تغییر ساختار صنعتی، سیاست تصحیح شکست‌های بازار در زمینه تکنولوژی و اطلاعات ناقص و سیاست‌های مداخله‌گرانه مدیریتی در سازمان صنعتی می‌شود.

سیاست‌های کلان- جزئی: که شامل طیف سیاست‌های کارکردی- شامل حوزه‌های مختلف بازار که با شکست‌ها و موانعی روبرو است- سیاست‌های افقی- متمرکز بر شکست‌های کلان بازار- و سیاست‌های عمودی- متمرکز بر توسعه بخش‌های مشخص و خاص- می‌شود. سیاست‌های طرف برنده- طرف بازنده: همان‌طور که از نام آن پیداست شامل دو وجه سیاست صنعتی طرف بازنده- حمایت سیاسی از صنایع رو به افول- و سیاست صنعتی طرف برنده- حمایت سیاسی از صنایع نوزاد با آینده درخشان- می‌شود (خمسه و اصغری، ۱۳۹۸).

۲-۲- سیاست‌های حمایتی دولت‌ها

بخشی از سیاست صنعتی کشورها به حمایت از صنایع و بنگاه‌های اقتصادی برمی‌گردد. از این نوع سیاست‌ها به سیاست‌های حمایتی تعبیر می‌شود. در کشورهای در حال توسعه دخالت هوشمندانه دولت برای سرعت بخشیدن به رشد صنعتی و دگرگونی ساختاری بسیار بااهمیت است. ابزارهایی از قبیل مشوق‌های مالی، کنترل‌های غیرمالی، مقررات گوناگون و تدارک اطلاعات مفید در دسترس دولت‌ها برای سیاست‌گذاری در این زمینه است. در ادامه به برخی مداخلات دولتی به‌منظور راهبردهای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، رشد صنایع و تجدید سیاست‌های صنعتی اشاره شده است:

در کشور اتریش، حمایت‌های آموزشی پیشرو بوده است از جمله اینکه ایجاد یک شرکت مجازی از یک مدل واقعی در تمام مدارس کسب‌وکار اجباری است یا یک طرح کسب‌وکار کوچک توسط دانش‌آموزان ۱۵-۱۹ سال در مدرسه برای یک سال درسی ارائه می‌شود یعنی محصولاتی را تولید و خدماتی را در بازار ارائه می‌کنند و تصمیم‌گیری‌های مربوطه را انجام می‌دهند (قائمی اصل، ۱۴۰۰).

کشور کره جنوبی استراتژی‌های ویژه بخش خصوصی برای صنایع پیشتاز را تدوین نموده است. این صنایع شامل خودرو، کشتی‌سازی، نیمه‌رساناها، فولاد، ماشین‌آلات نساجی، قطعه‌سازی و مواد هستند. علاوه بر آن رشد تجهیزات برای استفاده آینده یکی از اولویت‌گذاری‌ها بوده است. همچنین ۱۷

بخش به‌عنوان زمینه‌های دارای مزیت رقابتی شناسایی شده‌اند که تحت ۳ عنوان کلی تکنولوژی دارای مزیت رقابتی، صنایع تبدیلی صنایع پیشرفته و خدمات برخوردار از ارزش افزوده دسته‌بندی شده‌اند (خمسه و اصغری، ۱۳۹۸).

از جمله حمایت‌ها در کشور هلند، بهبود امور دولتی بوده است. بدین‌صورت که زمان ثبت شرکت‌ها را کاهش دادند، یک اتاق مشورتی ایجاد کردند که وظیفه آن ارزیابی و توجیه در زمینه قوانین است و وزارتخانه‌های دولتی سالانه، کاهش محدودیت‌ها را به این اتاق گزارش می‌کنند و اجرای پروژه کیفیت قانونی و قانون زدایی رقابت که توسط دولت به‌منظور بهبود رقابت بازار و حذف موانع قانونی اجرا شد (قائمی اصل، ۱۴۰۰).

کشور ترکیه در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ سیاست صنعتی خود را بر اساس مزیت رقابتی و کارآمدی صنایع با هدف افزایش سهم بازارهای صادراتی بازتعریف نموده است. این کشور تأکید خود را بر صنایع پیشرفته از جمله صنایع شیمیایی، آهن، فولاد، سرامیک، فلزات، الکترونیک، نساجی، پوشاک و چرم، صنایع دارویی و صنایع قابل بازیافت قرار داده است (خمسه و اصغری، ۱۳۹۸).

همان‌طور که بیان شد دخالت دولت در حمایت از صنایع و کسب‌وکارها به شکل‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. (سلطانی‌نژاد و غیره، ۱۳۹۶) سیاست‌ها و ابزارهای حمایتی را به دو دسته قیمتی و غیر قیمتی تقسیم می‌کنند. در سیاست‌ها و ابزارهای قیمتی، متغیر هدف، حمایت از قیمت دریافتی تولیدکننده برای محصول تولیدی و یا قیمت پرداختی برای نهاده‌های مورد استفاده در تولید است اما در سیاست‌های غیر قیمتی، متغیر هدف شامل عواملی است که به‌طور غیرمستقیم روی قیمت دریافتی تولیدکننده برای محصول و یا قیمت پرداختی برای نهاده تأثیر می‌گذارد.

در ایران نیز جهت حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، در سال ۱۴۰۱ حدود ۵۵۰ هزار و در سال ۱۴۰۲ یک میلیون مجوز جدید در بستر درگاه ملی صدور مجوزها صادر شد. تامین مالی کسب و کارهای کوچک و متوسط در قالب تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ در کنار تسهیل صدور مجوزها، به توسعه اشتغال کمک کرده است (منظور، ۱۴۰۳). با وجود ایجاد نهادهایی مانند معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اما متأسفانه هنوز فقدان یک راهبرد مدون برای توسعه واحدهای کوچک و متوسط و عدم وجود اولویت‌بندی بین فعالیت‌ها و برنامه‌های حمایتی مختلف وجود دارد.

۲-۳- کسب‌وکارهای کوچک و متوسط^۱

تعاریف متعددی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشورهای مختلف وجود دارد. می‌توان این تعاریف را به دو دسته مفهومی و عملیاتی تقسیم بندی کرد. به لحاظ مفهومی بنگاه‌های کوچک و متوسط نهادهای محدود اقتصادی هستند که از طریق انباشت منابع مالی خرد، کارآفرینی و پیوند با

^۱Small and Medium Enterprises

صنایع، زمینه‌های توسعه اقتصادی را ایجاد می‌کنند (Meghana et al, 2007). اگر چه به لحاظ مفهومی در مورد کسب و کارهای کوچک و متوسط اتفاق نظر نسبی وجود دارد اما در تعاریف عملیاتی انجام پذیرفته تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. غالباً کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بر اساس معیارهای کمی مانند تعداد کارکنان، میزان گردش مالی، ارزش دارایی‌ها و میزان سرمایه تعریف شده‌اند. علاوه بر این، ویژگی‌های کیفی مانند حوزه و محدوده خدمت‌رسانی بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز وجود دارد (قائم‌اصل، ۱۴۰۰).

سازمان‌های بین‌المللی در تعریف کسب‌وکارهای کوچک و متوسط رویکرد ترکیبی از معیارها را اتخاذ کرده‌اند (Maduku et al, 2016). اتحادیه اروپا جهت تعریف و شناسایی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از سه معیار تعداد کارکنان، حجم گردش مالی سالانه و میزان دارایی و بدهی‌های بنگاه استفاده می‌کند (European Union 2020). بر اساس قانون حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ژاپن، این بنگاه‌های در بخش‌های صنایع کارخانه‌ای، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و خدمات بر اساس میزان سرمایه و تعداد شاغلین تعریف می‌شوند (White Paper on Small Enterprises in Japan, 2018). در ایران تعداد کارکنان تنها معیاری است که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بر اساس آن تعریف می‌گردند. وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، صنایعی را کوچک و متوسط می‌دانند که تعداد کارکنان آن‌ها کمتر از ۵۰ نفر باشد (حاجی میررحیمی و موسوی داویجانی، ۱۴۰۰). طبق نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط طبق جدول (۱) تعریف می‌شوند.

جدول ۱. طبقه‌بندی کسب‌وکارها در ایران (مرکز ملی آمار ایران، ۱۴۰۰)

طبقه‌بندی کسب‌وکارها	تعداد کارکنان (نفر)
خرد	۱ تا ۹
کوچک	۱۰ تا ۴۹
متوسط	۵۰ تا ۹۹
بزرگ	بیش از ۱۰۰

گذشته از تعاریف نقش حیاتی این گونه کسب‌وکارها در رشد اقتصادی، اشتغال، تولید ثروت و کاهش فقر کشورها بر کسی پوشیده نیست؛ به نحوی که در کشورهای کمتر توسعه یافته از هر ۱۰ فرصت شغلی جدید، ۹ فرصت از طریق این کسب‌وکارها خلق می‌شود (Beck et al, 2005). به همین دلیل است که این کسب‌وکارها نگاه دولت و تصمیم‌گیران اقتصادی را متوجه خود کرده است. در ایران ۷ تا ۹ درصد تولید ناخالص داخلی به فعالیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط وابسته است و ۶۰ درصد اشتغال کشور، مدیون فعالیت این واحدها است. همچنین ۹۴ درصد واحدهای صنعتی، شامل کسب‌وکارهای کوچک و متوسط هستند (نقوی، ۱۴۰۲). ایجاد اشتغال با سرمایه‌گذاری کم،

انعطاف‌پذیری ساختار مدیریتی در پذیرش طرح‌های نوآورانه، انعطاف‌پذیری صنایع کوچک و متوسط در مقابل تغییرات در بازارهای مصرفی و تنوع سلیقه مشتریان، کمک به توسعه صادرات و بهبود زنجیره ارزش از جمله مزیت‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصاد ایران است (ستایش و همکاران، ۱۴۰۱).

با وجود مزایای متعدد اقتصادی-اجتماعی حاصل از فعالیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، آن‌ها هنوز هم با چالش‌هایی دست به گریبان هستند که چرخه حیات آن‌ها را از حرکت باز می‌دارد. طبق برآوردهای به عمل آمده، چالش‌های متعدد در زمینه‌هایی از جمله تامین مالی، بازاریابی، فناوری، کیفیت تولیدات، رقابت‌پذیری و ضعف پیوندی با صنایع بزرگ موجب شده است معادل ۲۰ درصد بنگاه‌های جدید کوچک و متوسط که به بازار وارد می‌شوند، پس از یک سال از بازار خارج می‌شوند و ۵۰ درصد از آن‌ها پس از ۵ سال مجبور به ترک می‌شوند (پیروز و شفيعی، ۱۳۹۵). استفاده از سرمایه‌های اقتصادی، ارتقای بهره‌وری و توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، یکی از راهبردهای موثر در مواجهه با چالش‌های کسب‌وکار است. از این رو بسیاری از دولت‌های وظیفه خود می‌دانند که از طریق برنامه‌ریزی‌های صحیح و اصولی، بستر رشد را برای واحدهای کوچک و متوسط ایجاد کرده و از آن‌ها تا زمان تبدیل به شرکتی مستقل و توانمند حمایت کنند (گل‌قندشتی و آقابابائی، ۱۳۹۷).

۴-۲- سازوکارهای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

منظور از سازوکارهای حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط عمق حمایتی است که از این واحدها به عمل می‌آید. به لحاظ عمق حمایت کسب و کارهای کوچک و متوسط سه سطح از یکدیگر تفکیک می‌شوند: هدایت، مساعدت و مشارکت.

منظور از هدایت عمدتاً تامین اطلاعات مورد نیاز واحدهای کوچک و متوسط است که اولین سطح از حمایت را تشکیل می‌دهد. در سطح بعد درجاتی از مساعدت به شکل عملی و اجرایی را می‌توان شاهد بود و در عمیق‌ترین سطح می‌توان مشارکت بین نهاد و سازمان حمایتی و واحدهای کوچک و متوسط را در انجام یک برنامه یا سیاست خاص مشاهده کرد. منطق این سازوکارها ایجاد عدالت و برابری در بهره‌مندی این کسب‌وکارها در حوزه‌های حق تملیک، حق استفاده و حق انتفاع از منابع محیطی است (موسوی بازرگانی، ۱۳۹۳). چارچوب حمایتی طراحی شده در این تحقیق عمدتاً در ابعاد هدایت و مساعدت ایفای نقش می‌کند.

اصطلاح مرکز توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط اصطلاحی است که به طیف گسترده‌ای از مراکز حمایتی از کسب و کارهای کوچک و متوسط قابل اطلاق است. نکته حائز اهمیت در این مساله نبود تجربه‌ای نهادینه شده‌ای از استقرار این مراکز در ایران است و ایجاد نهادهایی در این زمینه با در نظر گرفتن ضرورت‌ها، اهداف و الگوها امری مغتنم خواهد بود.

۲-۵- پیشینه پژوهش

مطالعات کسب و کارهای کوچک و متوسط را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: دسته‌ای از پژوهش‌ها به بررسی تأمین مالی کسب و کارهای کوچک و متوسط پرداخته‌اند، دسته دوم از مطالعات بررسی نقش دولت در کسب و کارهای کوچک و متوسط و راهکارهای حمایتی دولت در این زمینه را هدف قرار داده‌اند و سومین دسته به‌طور خاص کسب و کارهای کوچک و متوسط را در حوزه‌های مختلف از جمله آسیب‌شناسی و چالش‌های کسب و کار، بازاریابی، راهبردهای محصول، کارآفرینی و توسعه کسب و کار مورد مطالعه قرار داده‌اند. متناسب با موضوع این پژوهش، تعدادی از مهم‌ترین مطالعات دسته دوم در ادامه ذکر می‌شوند.

(پرتوافکنان و همکاران، ۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «نقش دولت در حمایت مالی و توسعه سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای کوچک و متوسط» پس از بررسی کسب و کارهای کوچک و متوسطی که به دلیل بحران‌های مالی دچار ورشکستگی شده بودند، به مرور نقش حمایتی دولت از این کسب و کارها پرداخته و در راستای سیاست‌های مالی دولت در حمایت از بخش کسب و کارهای کوچک و متوسط، پیشنهادهایی را ارائه کرده‌اند.

در تحقیقی با عنوان «راهکارهای حمایتی دولت در تأمین مالی کسب و کارهای کوچک و متوسط» پس از مقایسه تعدادی از سیاست‌های حمایتی کشورهای در حال توسعه از جمله هند، مالزی، ترکیه و ایتالیا در حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط، نتیجه نشان داد که عنصر بانک نقش مهمی در تحقق امر حمایت مالی از کسب و کارهای کوچک و متوسط دارد. همچنین جهت جلوگیری از نابودی کسب و کارهای کوچک و متوسط که با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، باید ابزارها و نهادهای خاص کسب و کارهای کوچک و متوسط طراحی و راه‌اندازی شود (یوسفی مژده و کردی، ۱۴۰۰).

(افجه‌ای و سجادی نایینی، ۱۳۸۹) جهت بررسی و اولویت‌بندی انواع حمایت‌های دولتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با تأکید بر دفاتر خدمات گردشگری شهر تهران، از ۱۵۸ نفر از مدیران عامل دفاتر خدمات گردشگری بهره گرفته‌اند. پس از تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های تحقیق، اولویت‌بندی انواع حمایت‌های دولت انجام شد. نتایج پژوهش از این قرار است: حمایت‌های مالی و اعتباری در اولویت اول، حمایت‌های زیرساختی در اولویت دوم، حمایت‌های بازاریابی و تحقیقات بازار در اولویت سوم، حمایت‌های آموزشی و فنی در اولویت چهارم و حمایت‌های مشاوره‌ای و ترویجی در اولویت پنجم.

در پژوهش «مراکز حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط؛ ضرورت‌ها، اهداف، الگوها، سازوکارها و انواع آن» (موسوی بازرگانی، ۱۳۹۳) با مشاهده ابهامات و ناهماهنگی‌های اجرایی در سیاست‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط که فقدان یک راهبرد مدون برای توسعه واحدهای کوچک و متوسط و عدم وجود اولویت‌بندی برنامه‌های حمایتی از نشانه‌های آن است، تلاش کرده است از زوایای مختلفی همچون ضرورت‌ها، اهداف، الگوهای موجود، سازوکارهای مورد استفاده و انواع حمایت‌ها از

بنگاه‌های کوچک و متوسط به مسئله بپردازد. و در جمع‌بندی اصلاحات نهادی را مهم‌ترین لازمه توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دانسته است.

(میربرگ‌کار و ابراهیمی، ۱۳۹۶) در پژوهشی با هدف بررسی ادبیات پیرامون نقش سیاست‌های دولت در اقتصاد سیاسی جهانی و محیط کسب‌وکار و تأثیر آن بر تأمین منابع مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، نشان دادند ایران می‌تواند با تقویت و تلاش برای گسترش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، حمایت دولت و اتخاذ سیاست‌های مناسب، فرصت توسعه و پیشرفت اقتصادی را برای کشور دست‌یافتنی نماید.

پژوهش «تبیین نقش حمایت‌های دولتی مؤثر بر رشد و بقای کارآفرینان در واحدهای تولیدی کوچک در ایران» به بررسی اثر عوامل محیطی (حمایت‌های تولیدی) بر موفقیت کارآفرینان در واحدهای تولیدی کوچک پرداخته و با انجام مطالعه پیمایشی به این نتیجه رسیده است که رابطه مثبت، معنادار و خطی بین حمایت‌های دولت و موفقیت کارآفرینان در واحدهای تولیدی کوچک از هر دو بعد رشد و پایداری موسسه وجود دارد (مهترتی و ناظمی، ۱۳۹۱).

(امین بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط^۱ و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه‌ها» بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تجربی و مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده، مهم‌ترین موانع و مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط را مورد تحلیل قرار دادند. نتایج حاصله نشان داد که بنگاه‌های کوچک و متوسط با آسیب‌ها و مشکلات درونی و بیرونی متعددی روبرو هستند و تسهیلات مالی و غیرمالی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در چهار حوزه مالی، فناوری، بازاریابی و مدیریتی ناکافی بوده است.

(صفدری رنجبر و همکاران، ۱۳۹۹) در تحقیقی به مطالعه اداره کسب و کارهای کوچک آمریکا پرداخته و برنامه‌های ایشان را در حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مورد بررسی قرار می‌دهند. این اداره به صاحبان کسب و کارهای کوچک و کارآفرینان در زمینه‌های مشاوره، سرمایه‌گذاری و کسب تخصص در پیمانکاری کمک می‌کند. برای مثال برنامه مراکز توسعه کسب‌وکارهای کوچک^۲ به عنوان بخشی از اداره کسب و کارهای کوچک، مشاوره و آموزش به کسب‌وکارهای کوچک برای توسعه و ارائه ابزارهای اطلاعاتی برای حمایت از راه‌اندازی کسب‌وکار و گسترش کسب‌وکار موجود ارائه می‌کنند. همچنین این مراکز برای حل مساله کسب و کارهای کوچک در زمینه‌های دسترسی به سرمایه، توسعه و مبادله فن آوری‌های جدید، و بهبود برنامه ریزی کسب و کار، استراتژی، عملیات، مدیریت مالی، مدیریت پرسنل، بازاریابی، صادرات، فروش، بهبود مدیریت، افزایش بهره‌وری، نوآوری و سایر زمینه‌های مورد نیاز برای رشد و گسترش کسب و کار کوچک کمک می‌کند.

^۱SMEs

^۲SBA

^۳SBDC

(Zulqarnain Arshad et al, 2020) با استفاده از روش‌های آماری چارچوب مفهومی رابطه بین خدمات حمایت دولت از کسب و کارها، عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط و ظرفیت جذب سازمانی طراحی کرده‌اند. طبق این چارچوب مفهومی ارتباط معناداری بین خدمات حمایتی دولت از کسب و کارها و عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط وجود دارد. بر این اساس ظرفیت جذب سازمانی به عنوان یکی از منابع استراتژیک مهم و حیاتی که عبارتند از کسب یا جذب اطلاعات توسط یک سازمان و توانایی سازمان برای بهره‌برداری از آن، به رابطه بین خدمات حمایتی دولت از کسب و کارها و عملکرد کسب و کارها افزوده می‌شود و این رابطه را تعدیل می‌کند.

(Park et al, 2019) با استفاده از نظرسنجی در بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ در نمونه ۴۲۲۶۱ تایی از شرکت‌های کوچک و متوسط کره‌ای عضو شرکت کسب و کار کوچک این کشور، نقش محوری حمایت‌های تشخیصی غیر پولی دولت را در کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط کره‌ای در بهبود بقا و رشد خود در ارتباط با تامین مالی وام دولتی بررسی می‌کند. بر اساس نتایج این تحقیق منابع مالی دولت به بقای شرکت‌های کوچک و متوسط کمک می‌کند، اما این کمک‌ها لزوماً به دستیابی شرکت‌های کوچک به دارایی‌های سالانه و رشد فروش بالاتر منجر نمی‌شود و صرفاً هنگامی که تامین مالی وام عمومی با خدمات تشخیصی و پشتیبانی دولتی ترکیب شوند افزایش دارایی‌ها و رشد فروش سالانه شرکت‌های کوچک و متوسط رخ خواهد داد.

(Blackburn and Schaper, 2016) در کتاب « دولت، شرکت‌های کوچک و متوسط و توسعه کارآفرینی: سیاست، عملکرد و چالش‌ها» در سه بخش تجربیات جهانی در توسعه سیاست‌ها در کسب و کارها و به خصوص کسب و کارهای کوچک و متوسط، ابزارهای عملیاتی برای پرورش و توسعه واحدهای کوچک و در نهایت ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها در حوزه کسب و کارهای کوچک و متوسط مقالاتی را از سوی افراد مختلف تدوین نموده است. در این مقالات به تناسب بخش مربوط ابعادی از تطورات در سیاست توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در کشورهای مختلف و همچنین معرفی و ارزیابی ابزارهای توسعه این کسب و کارها مورد توجه قرار گرفته‌است.

(Khan et al, 2022) تاثیر حمایت‌های دولت بر توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط را در صنایع منتخب استان خیبر پختونخواه پاکستان بررسی کرده‌اند. در این تحقیق داده‌های اولیه از طریق مصاحبه با مالکان و مدیران کسب و کارهای کوچک و متوسط، بحث‌های گروهی متمرکز و مشاهدات شخصی بدست آمد و نتایج آن نشان می‌دهد که حمایت‌های دولتی تأثیر مستقیم و مثبتی بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط در منطقه مورد مطالعه دارد.

(Kraja et al, 2014) نقش مهم سیاست دولت برای حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط را در کشور آلبانی تشریح می‌کند. این تحقیق با استفاده از داده‌های مربوط به ۲۲۰ کسب و کار کوچک

و متوسط منتخب در شهر اشکودر او با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی انجام پذیرفته است. بر اساس نتایج این تحقیق رابطه معناداری بین سیاست‌های دولت مرکزی و محلی و عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط وجود دارد.

(Feranita et al, 2019) تأثیر حمایت دولت بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق نوآوری را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. از بین چهار فرضیه مطرح شده در این پژوهش، همه آنها پذیرفته شدند. بر اساس نتایج آزمون فرضیه نفوذ مستقیم حمایت دولت بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط، و بر نوآوری آنها تأثیر می‌گذارد. همچنین نوآوری نیز بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط تأثیرگذار است. همچنین بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه اثرات غیرمستقیم حمایت دولت از طریق نوآوری بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر می‌گذارد. نتایج این مطالعه به دولت القا می‌کند که برای بهبود نوآوری و عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط بایستی از آنها حمایت‌های مستقیم از قبیل مالی و غیر مستقیم از قبیل حمایت در انجام نوآوری‌ها از خرید مواد اولیه تا بازاریابی محصولات داشته‌باشد.

همان‌گونه که اشاره شد پرداخت به موضوع کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در دستور کار بسیاری از پژوهش‌ها بوده است ولی با توجه به اهمیت مداخله دولت در حمایت از این کسب‌وکارها و بررسی مطالعات پیشین، مشخص می‌شود چارچوب معینی جهت حمایت دولت از کسب‌وکارهای کوچک ارائه نشده است.

۳- روش‌شناسی

در پژوهش حاضر که با هدف طراحی چارچوب گونه‌شناسی حمایت‌های دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط انجام شده است. در مرحله گردآوری داده‌ها، علاوه بر انجام مطالعات کتابخانه‌ای که به شناسایی و دسته‌بندی انواع حمایت‌ها انجامید، در مرحله طراحی چارچوب، تیم پژوهش با استفاده از روش گروه کانونی به دسته‌بندی کسب‌وکارها و همچنین شناسایی شاخص‌ها اقدام نمود که در نتیجه آن، دسته‌بندی با معیارهایی از منظر چرخه عمر کسب‌وکار به نوپا و بالغ، از منظر نوع فناوری به کاربر و سرمایه‌بر، از منظر نوع محصول به راهبردی و غیر راهبردی و از منظر بازار به رقابتی و انحصاری طبقه‌بندی گردید در توضیح اینکه چرا از دسته‌بندی بیشتری استفاده نشده است و یا اینکه چرا در مواردی نظیر چرخه عمر از طیف وسیع‌تری نظیر (معرفی - رشد - بلوغ - افول)، بهره‌گیری نشده است باید گفت که هدف پژوهش، ارائه چارچوبی جهت استخراج خردمایه‌هایی برای سیاست‌گذار در

^۱ Shkodër

مرحله تخصیص حمایت بوده است و افزایش پیچیدگی در این مرحله از پژوهش، زمینه را برای ارتباط-گیری خبرگان با اصل چارچوب و همچنین اعتبارسنجی آن بسیار دشوار می‌ساخت که با جمع‌بندی توسط تیم پژوهش و متخصصان مورد مراجعه، سادگی در عین کفایت در این دسته‌بندی‌ها لحاظ گردید. در بخش دیگر از روش‌شناسی پژوهش می‌بایست به این نکته اشاره شود که استخراج شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی سیاست‌ها، مورد توجه قرار گرفت که از بین شاخص‌های متعدد، چهار شاخص میزان پاسخگویی سیاست نسبت به مسئله مورد نظر، به‌صرفه بودن اجرای سیاست از منظر مالی، ایجاد ثبات و پایداری برای کسب‌وکار به‌واسطه اجرای سیاست و مدت زمان لازم برای اندازه‌گیری سیاست انتخاب گردید. در این مرحله نیز می‌بایست به همان مبنای سادگی و سهولت در عین کفایت تأکید نمود.

پس از استخراج مدل به‌منظور اعتبارسنجی آن، با رجوع به خبرگان، تأیید اولیه انجام شد که در این مرحله و پیش از توزیع پرسشنامه در قالب یک مدل نهایی، این تأییدیه اخذ گردید. پس از تأیید چارچوب، در قالب پرسشنامه و ارائه آن به خبرگان و فعالان حوزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، جمع‌بندی نظرات و ارائه مدل صورت گرفت. این پرسشنامه به ۹ نفر از فعالان و متخصصان حوزه کسب‌وکار رسید این افراد ضمن برخورداری از تجارب عملی، دارای مطالعات دانشگاهی در زمینه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بودند. در بخش دوم به ارزیابی کلی اصل چارچوب اقدام گردیده است که آیا رتبه‌بندی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را بر اساس موارد ذکر شده مناسب می‌دانند یا خیر؟ آیا نمونه شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی سیاست‌ها را مناسب ارزیابی می‌کنند یا خیر؟ و آیا وجود چنین چارچوبی را برای مدیریت جریان حمایتی در توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مفید می‌دانند یا خیر؟

در بخش سوم نیز ارزیابی تناسب پاسخ سیاستی به مسئله مطرح‌شده در قالب جدول مشخص و به‌صورت نمونه در پاسخ به مسئله تأمین مالی شرکت که پاسخ سیاستی آن در یک دوگان «تسهیل اعطای تسهیلات بانکی به شرکت توسط دولت» و «تسهیل حضور شرکت‌ها در بازار سرمایه و تأمین مالی از طریق بورس و فرابورس» ارائه شده بود که نتایج کارشناسی از نظرات خبرگان درباره این چارچوب در بخش پیاده‌سازی ارائه شده است. لازم به ذکر است ارائه دو راهبرد «تسهیل اعطای تسهیلات بانکی به شرکت توسط دولت» و «تسهیل حضور شرکت‌ها در بازار سرمایه و تأمین مالی از طریق بورس و فرابورس» تنها به‌عنوان نمونه‌هایی برای پیشبرد تحلیل‌ها بیان شده بود و تأکید ویژه‌ای بر این راهبردها وجود ندارد.

با توضیحی که پیرامون روش‌شناسی بیان گردید می‌توان استراتژی این پژوهش را توصیفی - پیمایشی دانست که از یک سو در مرحله گردآوری داده از ابزارهای مصاحبه، پرسشنامه و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده کرده است و از سوی دیگر به منظور تکمیل، تأیید و ارتقای نتایج از گروه کانونی و پرسشنامه بهره گرفته شده است. برگزاری جلسات متعدد با خبرگان، اخذ نظرات ایشان به صورت رفت

و برگشتی در مراحل گوناگون پژوهش در کنار مطالعات و حضور میدانی پژوهشگران را می‌توان به عنوان مویذات تکمیلی جهتر ارتقای اتقان نتایج پژوهش تلقی نمود.

۴- یافته‌ها

پس از شناسایی و دسته‌بندی موانع کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و سیاست‌های حمایتی دولت از این کسب‌وکارها، یافته اصلی پژوهش حاضر را می‌توان در ارائه چارچوب گونه‌شناسی حمایت‌های دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دانست که در کنار خردمابه‌های استخراج‌شده از در نظر گرفتن این راهبردها معنادار می‌شود.

۴-۱. موانع کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

بامطالعه پژوهش‌های بنیادی، تئوریک، کاربردی، عملیاتی و میدانی انجام شده در خصوص مطالعات متمرکز بر موانع ساختاری رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران، می‌توان موانع زیر را به‌عنوان موانع اصلی ارتقای جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفت: موانع مالی، موانع بازاری، موانع فرهنگی-اجتماعی، موانع نهادی-سیاستی، موانع علمی-فناوری و موانع اداری-قانونی (قائم‌ی اصل، ۱۴۰۰)، (امین بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰)، (عمید و غمخواری، ۱۳۸۸)، (ارشدی و طیب‌نیا، ۱۳۸۷). برای این موانع می‌توان مصادیقی مطابق جدول (۲) ذکر کرد.

جدول ۲. نمونه‌هایی از مصادیق موانع کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (جمع‌بندی پژوهشگران)

موانع	مصادیق نمونه	موانع	مصادیق نمونه
مالی	عدم گردش سرمایه مشکلات ارائه ضمانت برای دریافت تسهیلات محدودیت مالی برون‌زا (تحریم‌های بین‌المللی) و مشکل معاملات بانکی به‌صورت بین‌المللی کمبود نقدینگی بنگاه‌ها فقدان سرمایه‌گذاری مشترک تأخیر دریافت درآمد حاصل از فروش	بازاری	نااطمینانی نرخ ارز تبلیغات منفی در جامعه و هجوم نقدینگی به سمت بازار ارز صادرات بیش‌از حد مواد اولیه و کسری داخلی واردات بی‌رویه کالاهایی که مشابه داخلی دارد دخالت دولت در بازار و تعیین قیمت کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان به علت تورم نوسانات در عرضه و تقاضا خریدهای انحصاری
فرهنگی-اجتماعی	تغییرات سلیقه‌ای در قوانین و مقررات اجتماعی فرهنگ ضعیف کارآفرینی تمایل به کالای خارجی فرهنگ کارگری نامناسب بی‌ارزش شدن فعالیت‌های اقتصادی مولد	نهادی-سیاستی	عدم دسترسی به وضعیت مالی بنگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری مناسب ایجاد رقابت ناعادلانه در کسب‌وکار عدم دسترسی به اطلاعات تأمین‌کنندگان مواد اولیه و خریداران نوسانات اقتصاد کلان قیمتی و غیر قیمتی

فقدان نظام آموزش و پرورش خلاق پرور و مولد بهره‌وری پایین نیروی انسانی		ناتوانی در ایجاد محیط توانمند ساز برای بنگاه‌های کوچک و متوسط
عدم توجه به آموزش فنی نیروی انسانی عدم توجه به سرمایه فکری برای بومی‌سازی تکنولوژی موردنیاز نبود تحقیق و توسعه مبتنی بر محصول عدم بروز رسانی مناسب ماشین‌آلات و فناوری‌های موردنیاز دسترسی دشوار به کارشناسان خبره و باتجربه	اداری- قانونی	عدم به‌روزرسانی قوانین اتلاف زمان برای ثبت کسب‌وکار نیاز به هیئت‌مدیره جهت تأسیس شرکت قانون کار نامناسب بالا بودن دعاوی دست بررسی در قوه قضائیه بروکراسی اداری آیین‌نامه و قوانین موازی و متغیر(عدم ثبات قوانین) تصمیمات خلق‌الساعه

۴-۲. سیاست‌های حمایتی دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

حال که مصادیقی از موانع توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بیان شد، با توجه به موانع و بررسی مطالعات پیشین، از جمله (امین طهماسبی و همکاران، ۱۴۰۱)، (جعفری لیسار و همکاران، ۱۳۹۸)، (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷) و (نخعی و همکاران، ۱۳۸۸) به نمونه‌هایی از راهبردهای حمایتی دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در جدول (۳) اشاره شده است.

جدول ۳: نمونه‌هایی از سیاست‌های حمایتی دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (جمع‌بندی از پژوهش‌های پیشین)

سیاست حمایتی	مصادق	مانع
اعطای وام	عدم گردش سرمایه	مالی
تسهیل حضور در بازار سرمایه	کمبود نقدینگی	
تأمین ارز دولتی	نا اطمینانی نرخ ارز	بازاری
یارانه به مصرف‌کنندگان	کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان	
ایجاد معافیت گمرکی		
معافیت مالیاتی	فرهنگ ضعیف کارآفرینی	فرهنگی-اجتماعی
یارانه غیرمستقیم		
ایجاد آموزش خلاق پرور و مولد		
معافیت یا تعویق انداختن وام‌ها	نوسانات اقتصاد کلان قیمتی و غیر	نهادی-سیاستی
خرید تضمینی محصولات	قیمتی	
تخصیص تجهیزات و امکانات	عدم بروز رسانی مناسب ماشین‌آلات و	علمی-فناوری
ایجاد بستر برای سرمایه‌گذاران خارجی	فناوری‌های موردنیاز	

اداری-قانونی	عدم به‌روزرسانی قوانین	به‌روزرسانی قوانین و مقررات
	بروکراسی اداری	راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند (دولت الکترونیک)

۴-۳. چارچوب گونه‌شناسی

همان‌طور که در بخش روش‌شناسی نیز توضیح داده شد، چارچوب گونه‌شناسی با تشکیل گروه کانونی طراحی شد و پس از ارزیابی اولیه توسط خبرگان، اصلاح دیگری روی آن صورت گرفت که این چارچوب هم از حیث دقت و هم از حیث قابلیت تحلیل به سطح قابل‌قبولی دست یابد. چارچوب اصلاح‌شده نهایی در جدول شماره (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴: چارچوب گونه‌شناسی حمایت‌های دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (حاصل فرایند پژوهش)

میزان	ثبات و پایداری	به‌صرفه بودن	میزان پاسخگویی	ضرورت حمایت عام دولتی*	مصادیق گونه‌ها	راهبردهای حمایتی	مصادیق منابع	دسته‌بندی کلی منابع
					نوپا	عمر سازمان		
					بالغ			
					کاربر	فناوری		
					سرمایه‌بر			
					راهبردی	محصول		
					غیر راهبردی			
					انحصاری	بازار		
					رقابتی			

* در این ستون می‌بایست تعیین و تدقیق شود که آیا اساساً در این مورد به‌خصوص، حمایت دولتی عام ضرورت دارد یا خیر؟ چه‌بسا در بسیاری از موارد، بتوان حمایت دولتی را به‌عنوان یک حمایت در نظر گرفت ولی با توجه به محدودیت منابع و فزونی تقاضا، در نظام اولویت‌بندی می‌بایست ضرورت چنین حمایتی را تعیین نمود.

پس از تأیید اولیه چارچوب توسط خبرگان و فعالان حوزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، ارزیابی کلی اصل چارچوب انجام گردید که گزارش آن در قالب جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج ارزیابی کلی اصل چارچوب

غیر قابل قبول	قابل قبول	بله کاملاً	سؤالات مطرح شده جهت ارزیابی چارچوب	
۰	٪۵۶	٪۴۴	آیا دسته‌بندی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را به صورت زیر مناسب می‌دانید؟ <ul style="list-style-type: none"> از منظر چرخه عمر کسب‌وکار (نوپا - بالغ) از منظر نوع فناوری (کاربر - سرمایه‌بر) از منظر نوع محصول (استراتژیک - غیراستراتژیک) از منظر بازار (رقابتی - انحصاری) 	از منظر دسته‌بندی
۰	٪۴۴	٪۵۶	آیا نمونه شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی سیاست‌ها را مناسب ارزیابی می‌کنید؟ <ul style="list-style-type: none"> میزان پاسخگویی سیاست نسبت به مسئله مورد نظر به صرفه بودن اجرای سیاست از نظر مالی ایجاد ثبات و پایداری برای کسب‌وکار به واسطه اجرای سیاست مدت زمان لازم برای اثرگذاری سیاست 	از منظر شاخص
۰	٪۳۳	٪۶۷	آیا وجود چنین چارچوبی را برای مدیریت جریان حمایتی در توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مفید می‌دانید؟	از منظر کلیت مدل

پس از آماده‌سازی چارچوب و ارائه آن، چه به صورت کلیت مدل و چه به صورت تک تک اجزاء، تائید لازم از متخصصان با استفاده از نسخه مکتوب اخذ و چارچوب نهایی مورد قبول واقع شد.

۵- بحث و نتیجه گیری

خردمایه‌هایی برای طبقه‌بندی سیاست‌های حمایتی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بخش صنعت شناسایی شده‌اند که مبتنی بر آن‌ها می‌توان انواع راهبردها را برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تخصیص داد. ابتدا به دسته‌بندی بر مبنای منتخب مختلف اشاره می‌گردد و پس از آن از منظر ارزیابی سیاست‌ها بر اساس شاخص‌ها، نکاتی بیان می‌شود و در مرحله سوم به نکاتی از پیاده‌سازی چارچوب پرداخته می‌شود.

بحث اول: طبقه‌بندی سیاست‌ها بر اساس مبنای مختلف

همان‌گونه که اشاره شد می‌توان بر اساس دوگان‌هایی به طبقه‌بندی سازمان‌ها پرداخت که در ادامه چند مورد از آن‌ها آورده می‌شود.

مبتنی بر عمر سازمان (نوپا - بالغ)

تئوری چرخه عمر بر این فرض است که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی شبیه تمام موجودات زنده که متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و می‌میرند، دارای منحنی عمر یا چرخه عمر هستند (Adizes, 1989). پنج مرحله‌ی چرخه عمر توسط (Dickinson, 2006) به صورت زیر تعریف می‌شود:

۱) مرحله معرفی: جایی که نوآوری ایجاد می‌شود. شرکت‌ها در این مرحله به دنبال اطلاع‌رسانی و افزایش سهم خود از بازار هستند.

۲) مرحله رشد: در این مرحله اندازه شرکت از اندازه شرکت‌هایی که در مرحله ظهور به سر می‌برند، بیشتر است و همچنین رشد فروش و درآمدها نیز از مرحله‌ی ظهور بیشتر است.

۳) مرحله بلوغ: در این مرحله دارایی‌های اولیه شرکت‌ها مستهلک می‌شود و آن‌ها فروش باثبات و متعادلی را تجربه می‌کنند. سرعت از کارافتادگی تجهیزات به تغییرات فناوری و صنعت بستگی دارد.

۴) مرحله رکود: جایی که شرکت‌ها می‌توانند از طریق تغییر ساختار همچون تحصیل، ادغام و یکی شدن یا پیوستن به بازارهای دیگر، عملیاتشان را مجدد شروع کنند.

۵) مرحله ورشکستگی: شرکت‌ها به دلیل دوره طولانی آموزش‌های لازم برای تثبیت شایستگی‌هایشان یا موفقیت‌آمیز نبودن تلاش‌هایشان برای سازگاری‌های رقابتی یا نوآوری به مرحله انحطاط یا ورشکستگی وارد می‌شوند.

علی‌رغم توجه به این مراحل پنج‌گانه به‌منظور سهولت در تدوین چارچوب برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌توان دو مرحله نوپا و بالغ را در نظر گرفت.

کسب‌وکارهای نوپا از آنجاکه در ابتدای مسیر شکل‌گیری هستند، جهت بقا و رشد نیاز به حمایت‌ها و مشوق‌های مستقیم و عمدتاً از جنس تسهیلات مالی دارند. اما کسب‌وکارهایی که به بلوغ رسیده‌اند غالباً از حمایت‌های مالی دولت فارغ شده‌اند و حمایت‌های غیرمستقیم از جنس قانون‌گذاری می‌تواند تسهیلگر باشد. به‌عنوان مثال به‌روزرسانی مقررات صادرات و واردات به‌خصوص تعرفه صادرات برای کالاهای جدید کسب‌وکارهای بالغ در حوزه گیاهان دارویی از جمله اسانس‌ها، یک نیاز جدی است. همچنین مدت حمایت از شرکت‌های نوپا و بالغ، بسته به ابزار حمایتی متفاوت خواهد بود. شرکت‌های نوپا در سال‌های ابتدایی با معافیت مالیاتی توان رقابت و رشد پیدا خواهند کرد و پس‌از آن امکان پرداخت مالیات فراهم خواهد شد. حمایت‌های زیرساختی از جمله آموزش و تأمین امنیت بایستی پایدار و دائم برقرار باشد تا علاوه بر احساس آرامش و کسب سود، سرمایه‌گذاران رغبت به سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کنند.

مبتنی بر فناوری (سرمایه‌بر - کاربر)

فناوری‌های سرمایه‌بر بر اتوماسیون تأکید بیشتری داشته لذا به سرمایه‌گذاری بیشتر و نیروی کار کمتری نیاز دارند. اما در تکنولوژی‌های کاربر تأکید بر استفاده بیشتر از نیروی انسانی است و عموماً به سرمایه‌گذاری کمتری نیاز دارند (ولی‌زاده و اکبری، ۱۳۸۹).

در تکنولوژی‌های سرمایه‌بر از آنجا که عموماً در صنایع با تکنولوژی بالا امعاندار می‌شوند حمایت‌های مستقیم و دائم دولتی را به‌عنوان یک ابزار قدرت نیاز دارند. صناعی مانند بیوتکنولوژی، نانو، صنایع دفاعی و ... از جمله این موارد هستند. از سوی دیگر صنایع دارای تکنولوژی کاربر به دلیل اشتغال‌زایی و نیاز مبرم کشور به آن، به حمایت‌های مستقیم دولتی نیازمندند. طبیعتاً با استقرار کامل بنگاه‌ها در صنایع کاربر نیازی ادامه حمایت‌های دولتی نبوده و حمایت موقت از آن‌ها کفایت می‌کند. صنایع کشاورزی، صنایع دستی و ... از جمله مواردی هستند که در این بخش جای می‌گیرند.

مبتنی بر محصول (راهبردی - غیر راهبردی)

صنایع راهبردی صناعی هستند که تحت حمایت دولت بوده و به‌نوعی زیربنای سایر صنایع محسوب می‌شوند. از مشخصه‌های این صنایع می‌توان سودآوری چشم‌گیر، مواجهه با رقابت خارجی و بالقوه، دارای مزیت هزینه‌ای اساسی و انتقال‌دهنده تکنولوژی خارجی به صنایع داخلی را نام برد (سگری و بزرگر، ۱۳۹۱). بعضی از شرایط از جمله میزان تکنولوژی یک کشور، موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی، منابع طبیعی و تحریم‌ها می‌تواند صناعی را برای یک کشور راهبردی یا غیر راهبردی نماید. در کشور ما صنایع پتروشیمی، فولاد، سیمان، ذوب‌آهن، خودرو، کشاورزی و ... در گروه صنایع راهبردی قرار می‌گیرند.

صنایع راهبردی با توجه به موقعیت حساس آن‌ها در امنیت روانی، غذایی، اقتصادی و ... به‌طور دائمی و مستقیم مورد توجه دولت‌ها بوده‌اند. اما در صنایع غیر راهبردی از جمله تولیدات کالاهای تزئینی، مبلمان و ... حمایت‌ها معمولاً مقطعی است و توجه جدی دولت‌ها را به همراه ندارد. با توجه به شرایط خاص کشور در مسئله تحریم کالاهای مدنظر جهت برقراری امنیت قابل اعتنا بوده لذا بایستی با اولویت‌بندی صنایع حمایت‌های دولتی رتبه‌بندی گردد.

مبتنی بر بازار (انحصاری - رقابتی)

بازارها را می‌توان به بازارهای انحصاری و رقابتی تقسیم نمود. بازارهای انحصاری از بازارهایی همچون بازار انحصار کامل، بازار بنگاه مسلط و بازار چندجانبه سخت تشکیل می‌شود. در این سه بازار، بنگاه یا بنگاه‌های پیشرو بر بازار مسلط هستند و با انجام رفتارهای غیررقابتی بازار را از موقعیت رقابتی منحرف می‌سازند. از طرف دیگر در بازارهای رقابتی که شامل بازار چندجانبه سست، بازار رقابت انحصاری و بازار رقابت خالص است، نیروهای انحصاری تفوق چندانی ندارند و عملکرد و ساختار بازار به شرایط رقابتی نزدیک‌تر است (خداداد کاشی، ۱۳۷۹).

بازارهای انحصاری با توجه به این‌که به لحاظ فروش محصولات با چالش خاصی همراه نیستند، معمولاً نیازی به حمایت از آن‌ها چه از بعد مدت حمایت و چه از بعد شیوه تأثیرگذاری وجود ندارد. البته همه صنایع خواه‌ناخواه از حمایت‌های غیرمستقیم و دائم دولتی بهره‌مند می‌شوند. حتی

در صورتی که محصولات بخش خاصی از صنعت ضروری باشد نهایتاً به برخی حمایت‌های کوتاه‌مدت و تا زمان استقرار آن صنعت نیازمند است. همچنین برای توسعه بخش صنعت لازم است حمایت‌های کوتاه‌مدت و مستقیم دولتی از شکل‌گیری بنگاه‌های مشابه صورت گیرد تا در ضمن شکل‌گیری بازار رقابتی توسعه مدنظر دولت اتفاق بیفتد.

بحث دوم: ارزیابی سیاست‌ها

سیاست‌های حمایتی جایگاهی راهبردی در فرایند سیاست‌گذاری کشورهای در حال توسعه دارد. ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند به دولت و سازمان‌های مربوطه کمک کند تا سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی خود را برای این بخش از اقتصاد بهبود بخشند. برخی از فواید ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت را می‌توان این‌گونه دانست از جمله اینکه دولت می‌تواند منابع مالی و انسانی خود را بهینه‌سازی کند و از این طریق از هدر رفت منابع جلوگیری کند. ضمن اینکه ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت می‌تواند به ایجاد شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری دولت و ارتقای اعتماد عمومی کمک کند. این امر می‌تواند بهبود روابط دولت و بخش خصوصی را تسهیل کند. از سوی دیگر از طریق ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت، رقابت‌پذیری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بهبود می‌یابد و از این طریق به رشد اقتصادی کمک می‌شود. همچنین ارزیابی‌ها می‌توانند نقاط ضعف و قوت را شناسایی کرده و راهنمایی برای اصلاح و تقویت سیاست‌های آتی فراهم کنند. در مرحله‌ای دیگر، به‌منظور تکمیل چارچوب موردنظر و جهت ارزیابی سیاست‌ها، شاخص‌هایی تعریف شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

میزان پاسخگویی

این شاخص به تطابق پاسخ‌های ارائه شده توسط دولت با نیازهای واقعی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اشاره دارد. میزان پاسخگویی سیاست‌های حمایتی موجب اعتماد و همکاری بین دولت و بخش کسب‌وکار است و می‌تواند منجر به بهینه‌سازی محیط کسب‌وکار و ترویج رشد اقتصادی شود.

به‌صرفه بودن

شاخص به‌صرفه بودن در زمینه ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت، به میزان اقتصادی بودن این سیاست‌ها در رسیدن به اهداف موردنظر اشاره دارد. به‌عبارت‌دیگر، این شاخص به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا منابع مالی که دولت برای حمایت از این دسته از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اختصاص می‌دهد، در مقابل دستاوردهای حاصل از آن، به‌صرفه است یا خیر؟ یعنی ارزیابی به‌صرفه بودن شامل مقایسه‌ی میزان دستاوردها و نتایج حاصل از یک سیاست با هزینه‌هایی است که برای آن صرف شده‌اند.

ثبات و پایداری

وقتی سیاست‌های حمایتی، ارزیابی می‌شوند، به دنبال شواهدی هستیم که نشان دهد کسب‌وکارها به لحاظ ثبات و پایداری دارای عملکرد مثبتی هستند و اینکه این کسب‌وکارها توانسته‌اند نه تنها بر تلاطم‌های کوتاه‌مدت غلبه کنند بلکه روند رشدی‌شان را در افق دورتر حفظ کنند. این شاخص به میزان پایداری و ثبات شرایط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در برابر تغییرات اقتصادی و سیاسی اشاره دارد. این شاخص بر سه جنبه اصلی تمرکز می‌کند: ثبات مالی، ثبات عملیاتی و ثبات راهبردی (استراتژیک). ثبات مالی یعنی توانایی کسب‌وکار برای ایجاد درآمد پایدار، پوشش دادن هزینه‌ها و نیز مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها به شکلی که در برابر شوک‌های مالی انعطاف‌پذیر باشد. منظور از ثبات عملیاتی، تداوم در تولید و ارائه خدمات کسب‌وکار بدون اختلال ناشی از تغییرات سیاستی یا شرایط بازار است. ثبات راهبردی به توانایی کسب‌وکار برای حفظ مسیر رشد و توسعه خویش با توجه به برنامه‌ریزی بلندمدت و عدم سوق داده شدن به تغییر مسیر ناگهانی به خاطر تغییرات در سیاست‌های حمایتی دولت اشاره دارد.

میزان زمان لازم برای اثرگذاری

شاخص میزان زمان لازم برای اثرگذاری سیاست‌های حمایتی دولت برای برآورد فاصله زمانی بین اجرای سیاست‌ها و مشاهده نتایج ملموس آن‌ها به کار می‌رود. این شاخص مشخص می‌کند آیا مدت زمانی که طول می‌کشد تا یک برنامه یا سیاست حمایتی به تولید نتایج مثبت بینجامد موردقبول است یا خیر؟

بحث سوم: پیاده‌سازی

به جهت اعتبارسنجی چارچوب طراحی‌شده، پس از بررسی‌های انجام شده توسط تیم پژوهش و اخذ تأییدیه اولیه گروه کانونی، پرسشنامه‌ای طراحی گردید و توسط خبرگان صنعت و دانشگاه تکمیل گردید. در پرسشنامه مذکور بنابه نتایج به‌دست‌آمده اصلاحات نهایی در چارچوب انجام شد و مجدداً توسط تیم پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و چارچوب نهایی به دست آمد. لازم به ذکر است به‌منظور تدقیق نگاه و ارتقای فهم و ارتباط پاسخگویان نسبت به پرسشنامه مذکور، یکی از مسائل عمومی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که عبارت است از کمبود نقدینگی جهت توسعه و پیشبرد اهداف کسب‌وکار، لحاظ شد و بر آن مبنای تفاوت‌های وجود یا فقدان چنین چارچوبی پرداخته شد.

جدول ۶: مقایسه و ارزیابی سیاست‌های حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

مدت زمان لازم برای اثرگذاری سیاست	به‌صرفه بودن اجرای سیاست از نظر مالی	ایجاد ثبات و پایداری برای کسب‌وکار به‌واسطه اجرای سیاست	میزان پاسخگویی سیاست نسبت به مسئله موردنظر	معیارها	
				گزینه‌ها	
				کسب‌وکار نوپا	مقیاس بزرگ
				کسب‌وکار بالغ	

مدت زمان لازم برای اثرگذاری سیاست	به‌صرفه بودن اجرای سیاست از نظر مالی	ایجاد ثبات و پایداری برای کسب‌وکار به‌واسطه اجرای سیاست	میزان پاسخگویی سیاست نسبت به مسئله موردنظر	معیارها	
				گزینه‌ها	
				کسب‌وکار کاربر	
				کسب‌وکار سرمایه‌بر	
				کسب‌وکار راهبردی	
				کسب‌وکار غیر راهبردی	
				کسب‌وکار انحصاری	
				کسب‌وکار رقابتی	
				کسب‌وکار نوپا	تسهیل حضور در بازار سرمایه و تأمین مالی از طریق بورس اوراق بهادار
				کسب‌وکار بالغ	
				کسب‌وکار کاربر	
				کسب‌وکار سرمایه‌بر	
				کسب‌وکار راهبردی	
				کسب‌وکار غیر راهبردی	
				کسب‌وکار انحصاری	
				کسب‌وکار رقابتی	

آنچه در مرحله پیاده‌سازی حائز اهمیت است شیوه تحلیل پس از گردآوری داده است. در اینجا بنا به ضرورت می‌توان از روش‌های کمی (و یا حتی کیفی) استفاده نمود و درنهایت به جمع‌بندی دقیقی رسید ولی اصل جریان تحلیلی در این پژوهش بر این مبنا بود که خردمآیه‌هایی را از طراحی یک چارچوب برای حمایت‌های دولتی به عرصه بروز و ظهور برساند و گامی هرچند کوچک‌تر در عرصه سیاست صنعتی را پیش ببرد.

جمع‌بندی

اهمیت توسعه صنعتی و رشد پایدار بر کسی پوشیده نیست و به‌عنوان یک آرمان برای بسیاری از سیاست‌گذاران و مجریان عرصه صنعت و حاکمیت محسوب می‌شود. در یک تعریف ساده، هر نوع مداخله دولت در امر توسعه صنعت را سیاست صنعتی می‌نامند که امری پیچیده، دشوار و دارای چالش اساسی

در مراحل گوناگون است که در مکاتب گوناگون اقتصادی و سیاسی، پاسخ‌های متنوعی یافته است. میزان، نوع و چگونگی مداخله دولت‌ها برای توسعه هدفمند و پایدار به‌عنوان یک بحث مبنایی قابل طرح و ارائه است. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به جهات گوناگونی دارای اهمیت ویژه در امر توسعه به شمار می‌روند و بنا به تعریف و گستره، معمولاً تحت حمایت دولت‌ها قرار می‌گیرند، آنچه به‌عنوان یک بحث پژوهشی - کاربردی در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، ارائه یک چارچوب برای گونه‌شناسی حمایت‌های دولت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بود که از این رهگذر، زمینه ارائه خردمایه‌های کاربردی و سیاستی برای خطمشی‌گذاران این عرصه فراهم گردد.

با این نگاه، در پژوهش حاضر پس از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی پژوهش‌های پیشین، تیم پژوهش به گونه‌شناسی این کسب‌وکارها و ارائه یک چارچوب حمایتی پرداخت و در قالب یک گروه کانونی مورد بررسی قرار داد، پس از تأیید اولیه کارکرد چارچوب مورد نظر و پشتوانه‌های علمی آن توسط تعدادی از خبرگان صاحب صلاحیت در زمینه پژوهش، در مرحله بعد با استفاده از ابزار پرسشنامه، چارچوب در قالب یک نمونه عملی به دسته دیگری از صاحب‌نظران عرصه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که سابقه اجرایی و علمی در این زمینه داشتند عرضه شد و نتایج کلیت چارچوب و خلأهای آن به دست آمد که مجدداً توسط تیم پژوهش بازبینی و نهایی گردید، چارچوب مذکور در بخش پایانی پژوهش قابل مشاهده است.

آنچه در جمع‌بندی نیازمند اشاره و تأکید مجدد است مربوط به کارکرد وجود چنین چارچوب‌هایی است که چه‌بسا در وهله اول همچنان نیازمند گسترش نظری و عملیاتی باشند ولی می‌توانند با نوع‌شناسی‌هایی که انجام می‌دهند به ارائه خردمایه‌هایی دانشی و سیاستی بینجامند. سیاست صنعتی عرصه‌ای است که مداخله مؤثر، هدفمند و دقیق دولت را در جهت تحقق اهداف مورد نظر می‌طلبد و اگر به‌صورت آزمون و خطا پیش رود، چه‌بسا موجب اتلاف و کژ کارکردهای گسترده شود و حتی به تضعیف و یا از بین رفتن برخی از صنایع بینجامد. امید است به لطف خداوند متعال، پژوهش حاضر به توسعه ظرفیت دانشی این عرصه کمک نماید.

یکی از موضوعات پژوهشی توسعه‌ای در ادامه پژوهش حاضر را می‌توان، کمی‌سازی بازبینی‌های (چک لیست‌های) مورد توجه برای تخصیص حمایت‌های گوناگون دولتی دانست، ضمن اینکه ارزشیابی هر نوع حمایت دولتی از کسب و کارها به منظور ارزیابی میزان اثر، نقاط اهرمی تغییر و ... نیز می‌تواند از جمله موضوعات قابل انجام در پژوهش‌های آتی باشد.

هر پژوهشی در مرحله انجام با محدودیت‌هایی مواجه است، آنچه در این پژوهش نیز به‌عنوان یک محدودیت قابل توجه است فقدان (یا به نوعی کمبود) نگاه‌های انتقادی درباره نوع حمایت‌های دولتی از کسب و کارهای کوچک و متوسط در بین فعالان عرصه صنعت و حتی در بین مجریان دولتی است و متأسفانه عمده حمایت‌های مورد توجه افراد، معطوف در تامین مالی یا حمایت مستقیم مالی است و همین امر موجب می‌شود که در شناسایی و ارائه پیشنهادها، متفاوت برای نوع، گستره و اثر هر نوع

حمایت مالی و غیرمالی به بن‌بست‌های نظری و عملی برسد. ناگفته پیداست که اهمیت حمایت‌های مالی بر کسی پوشیده نیست ولی بررسی گسترده‌تر در حمایت‌ها، زمینه ارائه خردمایه‌های دقیق‌تر و موثرتری را فراهم می‌سازد.

منابع

- ارشدی، وحید، و یاسر طیب‌نیا. ۱۳۸۷. "بررسی و شناسایی موانع سرمایه‌گذاری در تولید (با رویکرد اصلاح قوانین در بخش صنایع کوچک و متوسط)". مرکز پژوهش‌های مجلس، مطالعات زیربنایی.
- افجه‌ای، سید علی اکبر، و سید علی سجادی نایینی. ۱۳۸۹. "بررسی و اولویت بندی انواع حمایت‌های دولتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با تاکید بر دفاتر خدمات گردشگری شهر تهران". *مطالعات مدیریت گردشگری* ۵ (۱۳): ۸۵-۱۱۲.
- امین بیدختی، علی اکبر، و سید مجتبی زرگر. ۱۳۹۰. "بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه‌ها". *کار و جامعه* (۳۸): ۳۴-۴۸.
- امین طهماسبی، حمزه، محمدحسین اصغرپور، و پریسا ایزدیار. ۱۴۰۱. "ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع دارویی در شرایط تحریم و همه‌گیری کووید-۱۹". *نشریه مدیریت سلامت* ۲۵ (۱): ۶۹-۷۹.
- پرتوافکنان، مصطفی، پروانه گلرد، و عبدالله نعمی. ۱۳۹۹. "نقش دولت در حمایت مالی و توسعه سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای کوچک و متوسط". *دانش سرمایه‌گذاری* ۹ (۳۵): ۲۷۷-۲۸۸.
- پیروز، الهام، و افسانه شفیع. ۱۳۹۵. "ارتقای جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در زنجیره‌های ارزش جهانی: درس‌هایی برای ایران، تحولات جهانی صنعت، معدن و تجارت". *موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی*.
- جعفری لیسار، نسیم، علی کرامت‌زاده، و رامتین جولایی. ۱۳۹۸. "بررسی تاثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر عرضه برنج در ایران". *تحقیقات اقتصاد کشاورزی* ۱۱ (۴۱): ۳۸-۱۷.
- حاجی میررحیمی، سید داود، و سید روح‌الله موسوی داویجانی. ۱۴۰۰. "عوامل مؤثر بر رونق کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان البرز با نگرش به آموزش و سرمایه انسانی". *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی* ۱۳ (۵۶): ۳۳-۵۵.
- حسینی، سید صفدر، آرش دوراندیش، و حبیب‌اله سلامی. ۱۳۸۷. "ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت در بازار گندم ایران". *اقتصاد کشاورزی* ۳ (۴): ۹۵-۱۲۰.
- خداداد کاشی، فرهاد. ۱۳۷۹. "انحصار، رقابت و تمرکز در بازارهای صنعتی ایران (۱۳۶۷-۷۳)". *پژوهشنامه بازرگانی* ۸۳-۱۱۶.
- خمسه، عباس، و مریم اصغری. ۱۳۹۸. "سیاست صنعتی نگرشی جامع بر مفاهیم و انواع سیاست صنعتی به همراه مروری بر تجارب کشورها". کرج: سرافراز.
- رضایی، روح‌الله، و لیلا صفا. ۱۳۹۵. "عوامل اثرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان". *اقتصاد فضا و توسعه روستایی* ۱۴۲-۱۶۴.
- ستایش، هدیه، عباس معمارنژاد، کامبیز هژبر کیانی، و تقی ترابی. ۱۴۰۱. "بررسی اثر کارگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط بر رشد ارزش افزوده بخش صنعت در اقتصاد ایران". *فصلنامه اقتصاد مالی* ۲۲۱-۲۵۲.
- سلطانی‌نژاد، حامد، علیرضا ناصرپور، جواد فلاح، و محبوبه نارویی. ۱۳۹۶. "سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی، با تمرکز بر رویکردهای مبتنی بر بازار (از طریق بورس‌های کالایی)". تهران: انتشارات بورس.

شيعه، اسماعيل، كيومرث حبيبي، و مهران احساني. ۱۳۹۸. "نقش مدیریت هوشمند در برنامه‌ریزی کالبدی شهر برای کاهش آثار زمین لرزه." *هویت شهر* ۱۳ (۳۸): ۵۰-۳۷.

صفدری رنجبر، مصطفی، مهدی الیاسی، پرویز کرمی، و میثم نریمانی. ۱۳۹۹. *تجارب منتخب سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری (۵) اداره کسب و کارهای کوچک ایالات متحده آمریکا*. تهران: دانش‌بنیان فناور.

عزیزخانی، فاطمه. ۱۴۰۱. *آسیب شناسی حمایت از تولید و اشتغال در کشور: بررسی موردی بند «الف» تبصره «۱۸» قوانین بودجه سنواتی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

عسگری، محمدرضا، و عیسی برزگر. ۱۳۹۱. "ارزیابی رابطه بین ساختار مالی با سودآوری شرکت‌ها؛ با رویکرد مقایسه‌ای بین صنایع استراتژیک و غیراستراتژیک در بورس اوراق بهادار تهران." *پژوهش‌های مدیریت راهبردی* ۵۳-۷۲.

عمید، امین، و سیده معصومه غمخواری. ۱۳۸۸. "بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر توسعه صادرات صنایع کوچک و متوسط در ایران." *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت* ۱۸۳-۲۰۲.

قالیباف، محمدباقر. ۱۴۰۲. *قانون برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران*. ۰۱ ۰۹
<https://www.shenasname.ir/barname>

۹٪۸۶D۹٪۸۸٪D۹٪۸۶٪D۷٪A۸٪D۹٪۸۲٪%D

۹٪۸۷D۹٪۸۵٪D۷٪A۸٪D۹٪۸۶٪D۷٪B۸٪D۸٪A۸٪%D

۹٪۸۷D۹٪B۸٪D۳٪B۸٪D۹٪۸۸٪AA%D۸٪-%D۹٪۸۵AA%D۸٪D۹٪۸۷٪D۹٪۸۷٪%D

قائم‌اصل، مهدی. ۱۴۰۰. *بررسی چالش‌ها و ارائه راهبردهای توسعه در بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ایران*. تهران: دریاچه نو.

گلقدشتی، مریم، و محمدابراهیم آقابابائی. ۱۳۹۷. "تأثیر منابع تامین مالی بر رشد شرکت‌های کوچک و متوسط پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران." *فصلنامه اقتصاد مالی* ۱۴۳-۱۶۰.

لاریجانی، علی. ۱۳۹۶. *قوانین و مقررات*. ۱ ۱۶. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/>

مرکز ملی آمار ایران. ۱۴۰۰. *سالنامه آماری کشور*. تهران: مرکز ملی آمار ایران.

منظور، داود. ۱۴۰۳. *کارنامه دولت سیزدهم در حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط*. تهران: خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا».

مهارتی، یعقوب، و شمس‌الدین ناظمی. ۱۳۹۱. "تبیین نقش حمایت‌های دولتی مؤثر بر رشد و بقای کارآفرینان در واحدهای تولیدی کوچک در ایران." *پژوهش‌نامه مدیریت تحول* ۴ (۷): ۶۰-۳۸.

موسوی بازرگانی، سیدجلال. ۱۳۹۳. "مراکز حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط؛ ضرورت‌ها، اهداف، الگوها، سازوکارها و انواع آن." *رشد فناوری* ۳۳-۳۹.

میر برگ‌کار، سید مظفر، و پژمان ابراهیمی. ۱۳۹۶. "تأثیر دولت‌ها بر تامین منابع مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد سیاسی کسب و کار." *سیاست جهانی* ۶ (۳): ۲۳۱-۲۰۹.

مینتربرگ، هنری، بروس آلستراند، و ژوزف لمپل. ۱۳۸۴. *جنگل استراتژی (کارآفرینی در قالب یک مکتب)*. با ترجمه محمود احمدپور داریانی. تهران: جاجر می.

نخعی، نجمه، امیرحسین چیذری، و اعظم رضایی. ۱۳۸۸. "بررسی سیاست‌های حمایتی دولت با استفاده از ماتریس تحلیل سیاست: مطالعه موردی سبب زمینی در استان همدان." *اقتصاد کشاورزی* ۳ (۱): ۲۰۵-۱۸۵.

نقوی، علی. ۱۴۰۲. *سهم صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران*. ۲۷ شهریور.
<https://otaghiranonline.ir/news>

۹٪DA%A٪۸۶٪DA۹٪۸۸٪D۹٪-%DA%A۹B۸٪C%D٪۸DB۷٪A۸٪D۹٪۸۶٪D۵٪B۸٪%D

- 1B\AF%D\-%DYB\D\B\AA%D\%D\-%D\%AF- \DY\A\D\B\AA%D\%D\DY\A\%D\% \. \DY\A\B\C%D\B\A\%D
- ولی‌زاده، مجتبی، و زهرا اکبری. ۱۳۸۹. "انتقال تکنولوژی و راهکارهای موفقیت آن در کشورهای در حال توسعه." کنفرانس ملی مدیریت تکنولوژی ایران.
- یوسفی مژده، سمیه، و مراد کردی. ۱۴۰۰. "راهکارهای حمایتی دولت در تامین مالی کسب و کارهای کوچک و متوسط." چهارمین کنفرانس ملی و نخستین کنفرانس بین‌المللی الگوهای نوین مدیریت و کسب و کار.
- Adizes, Ichak. 1989. *Corporate Lifecycles: How and Why Corporations Grow and Die and What to Do About It*. EnglewoodCliffs: The Adizes Institute.
- Beck, T, A Demircuc-Kunt, and R Levine. 2005. "SMEs, Growth, and Poverty: Cross-country Evidence."
- Blackburn, Robert A, and T Michael Schaper. 2016. *Government, SMEs and Entrepreneurship Development: Policy, Practice and Challenges*. New York: Routledge.
- Chang, Ha-Joon, and Antonio Andreoni. 2020. "Industrial Policy in the 21st Century." *Development & Change* 324-351.
- Dickinson, Victoria. 2006. "Future profitability and growth, and the roles of firm life cycle and barriers-to-entry." *The University of Wisconsin-Madison*.
- European Union. 2020. *User guide to the SME Definition*. Luxembourg: European Commission.
- Feranita, Nungky Viana , Alifian Nugraha, and Sampir Andean Sukoco. 2019. "THE ROLE OF GOVERNMENT SUPPORT FOR INNOVATION AND PERFORMANCE OF SMEs." *unmuhjember* 124-136.
- IFC. 2010. *IFC Financials, Projects, and Portfolio 2010*. www.IFC.org.
- Johnson, Gerry, Kevan Scholes, and Richard Whittington. 2008. *Exploring Corporate Strategy*. 8th. Londen: Financial Times Prentice Hall.
- Khan, Inayat, Jia Ming, Murad Ali, and Zhe Zhang. 2022. "Influence of government supports on small and medium enterprises development: Case study of Swat Valley." *Journal of Small Business Management* 1484-1515.
- Kraja, Ylvije Boriçi, Elez Osmani, and Fatbardha Molla. 2014. "The Role of the Government Policy for Support the SME-s." *Academic Journal of Interdisciplinary Studies* 391-396.
- Maduku, Daniel K. , Mercy Mpiganjira, and Helen Duh. 2016. "Understanding mobile marketing adoption intention by South African SMEs: A multi-perspective framework." *International Journal of Information Management* 36 (5): 711-723.
- Mateev, Miroslav, and Yanko Anastasov. 2010. "Determinants of small and medium sized fast growing enterprises in central and eastern Europe: a panel data analysis." *Financial Theory and Practice* 269-295.
- Meghana, Ayyagari, Thorsten Beck, and Asli Demircuc-Kunt. 2007. "Small and medium enterprises across the globe." *Small business economics* 415-434.
- Park, Soonae, In Hyeock Lee, and Jung Eun Kim. 2019. "Government support and small- and medium-sized enterprise (SME) performance: the moderating

- effects of diagnostic and support services." *Asian Business & Management* 213-238.
- Portet, Michael. 2008. *Competitive strategy: Techniques for analyzing industries and competitors*. New York: Simon and Schuster.
- Reinert, Erik S. 2009. "The Common Origins of Financial Crises and Persistent Poverty in Economic Theory: Economics facing a new '1848 Moment.'"
- Rodrik, Dani. 2004. "INDUSTRIAL POLICY FOR THE TWENTY-FIRST CENTURY." (centre for Economic Policy Research).
- Rodrik, Dani. 2008. "INDUSTRIAL POLICY: DON'T ASK WHY, ASK HOW." (Middle East Development Journal,).
- Schwenker, Burkhard, and Torsten Wulf. 2013. *Scenario-based Strategic Planning: Developing Strategies in an Uncertain World*. Springer.
2018. *White Paper on Small Enterprises in Japan*. National Association of Small and Medium Enterprise Promotion Organizations.
- Zulqarnain Arshad, Muhammad, Munawar javed Ahmad, Majid Ali, Waris Ali Khan, and Muhammad Hassan Arshad. 2020. "THE ROLE OF GOVERNMENT BUSINESS SUPPORT SERVICES AND ABSORPTIVE CAPACITY ON SMES PERFORMANCE ." *International Journal of Advanced Science and Technology* 1492-1499.